



شهید قاسم سلیمانی

شهید سیدمحسن نصرالله

شهید ابوبهی الههندس

شهید مصطفی چمران

شهید اوارو آنبلی

شهید حسن شاهرزی

شهید صن بطرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید مصن لقری‌زاده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم زکرائی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمزهاده

آنچه روح جهاد و دفاع از دین خدا و آرمان‌های انقلاب را در شهیدان، سربازان واقعی نظام، دمید، در ابتدا روحیه ولایت‌پذیری و پیروی از ولایت بود که نه فقط در زندگی‌شان بسه آن پایبند بودند، بلکه در وصیت‌نامه‌های خود نیزسو توجه به امر ولایت و حرف نشوی از مقام ولایت را یادآوری و سفارش می‌کردند.
خدای عزوجل در سوره انفال، آیه ۲۴، می‌فرماید: «ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، ندای دعوت خدا و رسولش را اجابت کنید، زیرا شما را زنده می‌کند.»

ولایتمداری، حقیقتی بود که رزمندگان و شهیدان ما آن را حیات طیبیه می‌دانستند و سرلوحه رفتار خود قرار داده بودند و بدان اعتقادی راسخ داشتند. محبوبیت و عزت فرماندهان شهیدمان نزد بینانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، به خاطر

عزیزاللهی»، «محمد حسین فهمیده» و «بهنام محمدی»، درباره دو نوجوان عزیز دلسوز، مخلص و سرباز نظام بریتان می‌نویسم، هر چند به سن سربازی نرسیده بودند و البته شهید دلاور «محمد شهسورای» که به فراخور این نوشته یاد می‌هم از او می‌کنم. شهید «علی عرب» بسیجی ۱۶ ساله لشکر ۴۱ ثارالله که ققتوس‌وار سوخت تا بخشی از عملیات

# داستان‌هایی از ایثار و فداکاری در دفاع مقدس

داخل دهانش می‌گذارد تا از او صدایی درنیاید و دشمن متوجه نشود و سوءاستفاده نکند.

حسن پام غواص لشکر ۳۱ عاشورا در کربلای ۴ در اروند رود زخمی می‌شود و سرش را می‌کند توی آب و به شهادت می‌رسد تا از شدت درد فریاد نزند و دشمن نفهمد، علی عرب در خشکی این کار را می‌کند و حسن پام غواص ۱۶ ساله در آب در کنار اینها «محمد شهسورای» را داریم که بچه کهنوج کرمان بود و در عملیات بدر (اسفند ۱۳۶۳) اسیر می‌شود. همان ایام هم صحنه اسارتش را تلویزیون نشان می‌دهد. وقتی شهیدان می‌توانند کماکان الگوهای دوستداران نظام و سبایشان می‌دهند که در برابر دشمن سکوت جایز نیست. دشمن دارد صحنه اسارتش را فیلمبرداری می‌کند و این تخفیر حساب می‌شود برای یک رزمنده ایرانی، شروع می‌کند به شعار دادن و «مرگ بر صدام ضد اسلام» را فریاد می‌زند. همان موقع در خبرگزیری‌های دنیا هم این صحنه پخش شد که یک رزمنده ایرانی در اسارت و در چنگال دشمن می‌گوید مرگ بر صدام ضد اسلام. رزمنده ایرانی یا سرباز نظام جایی که دشمن می‌خواهد از فریادش سوءاستفاده کند، سکوت می‌کند، مثل شهید عرب و شهید حسن پام، وقتی که دشمن می‌خواهد از سکوتش استفاده کند او فریاد می‌زند مانند شهید محمد شهسورای. اما چنانجا که گلابی مکتانیم ماشه را برایمان به امرغان آوردند، آنجایی



لو نرود و شهید «حسن پام»، غواص ۱۶ ساله هم با بردن سرش زیر آب باعث شد عملیات لو نرود، این شهیدان می‌توانند کماکان الگوهای دوستداران نظام و سبایشانی که به عنوان سربازان مخلص و دلسوز نظام می‌دیدند و حرف فرماندهان رده بالاتر خود را حرف امام خمینی(ره) می‌دانستند و بسه اجرای آن همت می‌گماردند.

نویسنده این سطور که در دوران دفاع مقدس نوجوایت بود و با رزمندگان نوجوان هم‌سفره بود، دو نوجوان قهرمان را به عنوان سرباز نظام بررسی کرده است. البته به یاد شهید «عبداللطیف خلیل‌زاده»، نوجوان ۱۲ ساله شهید اهل بروجن، «مهرداد لو نرود و شهید «حسن پام»، غواص ۱۶ ساله هم با بردن سرش زیر آب باعث شد عملیات لو نرود، این شهیدان می‌توانند کماکان الگوهای دوستداران نظام و سبایشانی که به عنوان سربازان مخلص و دلسوز نظام می‌دیدند و حرف فرماندهان رده بالاتر خود را حرف امام خمینی(ره) می‌دانستند و بسه اجرای آن همت می‌گماردند.

نویسنده این سطور که در دوران دفاع مقدس نوجوایت بود و با رزمندگان نوجوان هم‌سفره بود، دو نوجوان قهرمان را به عنوان سرباز نظام بررسی کرده است. البته به یاد شهید «عبداللطیف خلیل‌زاده»، نوجوان ۱۲ ساله شهید اهل بروجن، «مهرداد لو نرود و شهید «حسن پام»، غواص ۱۶ ساله هم با بردن سرش زیر آب باعث شد عملیات لو نرود، این شهیدان می‌توانند کماکان الگوهای دوستداران نظام و سبایشانی که به عنوان سربازان مخلص و دلسوز نظام می‌دیدند و حرف فرماندهان رده بالاتر خود را حرف امام خمینی(ره) می‌دانستند و بسه اجرای آن همت می‌گماردند.

شهر در ناامنی شدیدی بود و گاهی در میان درگیری‌ها سربازان نیز جان خود را از دست می‌دادند؛ لذا هم به لحاظ زودن چهره شهر از بوینفرم و وضعیت نظامی و هم به دلیل حفظ جان سربازان از ورود آنها به شهر تا مدت‌ها ممانعت کرد.

امنیت جاده‌ها را به سروان خوسرئ آبادی سپرد و ضمن کنترل او جهت اقدامات خود سرنانه که امکان آسیب به مردم در آن وجود داشت؛ عبور و مرور را برای تامین نیازحاج مردم میسر ساخت و سعی خود را به هر ترتیب برای برقراری امنیت پایدار به کار گرفت. در مجموعه تیب، گاهی از قساوتی که گروهک‌ها در حق مردم، کارمندان نهادهای دولتی داشتند میجانت تحت عنوان انتقام شدت می‌گرفت که امکان خروج از روش‌های معمول و یا حتی غیر معمول را نیز فراهم می‌کرد؛ اما شریف‌النسب گر چه حتی با رگبار بستن کارمندان مخبرات توسط گروهک‌ها مواجه شد، اما با تدبیر کوشید تا به جای گسترش درگیری و عملیات‌ها در مسلسلانه به شهر و میان مردم به طور خاص و کوبنده تنها با گروهک‌ها برخورد کند.

**ذیل نام پیامبر اکرم(ص) و اسلام**
او به جای مقابله با مردم یا تقابلسازی بین مردم انقلابی و غیرانقلابی، تلاش کرد احاد مختلف را ذیل نام پیامبر اکرم(ص) و اسلام گرد هم بیاورد و در مقابل بعضی از گروه‌هایی که با سوءاستفاده از عنوان انقلابی روش‌های خشنوتبارشی اعمال می‌کردند اینستاات تا فرهنگ‌سازی و جذب حداکتری و اعتماد و اطمینان به مردم باز گردد. نقطله عطف گردآوری مردم زیر یک موضوع واحد (۲۸ صفر و سالروز رحلت پیامبر اسلام (ص)) بود که با دریافت اقلام و اسباب از ارومیه و گاه از اصفهان و… موفق شد در سطحی گسترده و عمومی به پخش شلغوزد اقدام کند و مردم را حصول ارادت به پیامبر به اتفاق و اتحاد دعوت کند.

**دیدگاه آمریکایی، جنگ فراسیخ**
در میان درگیری‌هایی که وجود داشت؛ تشخیص مردم عادی از گروهک‌ها دشوار بود و همواره به دلیل صیاد نیز حضور داشت از خود و اقدامات و علل اتخاذ مواضع و روش‌هایش دفاع کند. شریف‌النسب در مهیاد ضمن رفع و رجوع مشکلات تیب که حتما برای انگیزه کارکنان و سربازان فرآیند پرداخت حقوق و خدماتی مثل فروشگاه انکارا بی می‌گرفت عملیات‌های روانی گروهک‌ها را هم باید خنثی و شرایط امنیت را پایدار نگه می‌داشت.

**استراژی فریب**
استراژی فریب با اعلام پیروزی گسترده و ارتباط بلندگویی با مردم و اعلام شمعار الله اکبر یک عملیات



شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم زکرائی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمزهاده



نابید حتی اشاره راستی کنیم که دشمن سوءاستفاده کند، و شهیدی ما از حسن پام تا علی عرب، آنجایی که دشمن از فریادشان می‌خواهد سوءاستفاده کند سکوت می‌کنند و شهسورای آنجا که دشمن می‌خواهد از سکوتش سوءاستفاده کند فریاد می‌زند. به نظر می‌رسد در مقابل دشمن مکار در گفت‌وگوها و نشست‌ها و قدم‌زدن‌ها اینها را باید الگو و سرمشق خود قرار بدهم. تاریخ ایران پر است از این نام‌ها، سربازانی که فداکاری‌های بسیاری بود که در تمام این سال‌ها، هر کدام از این سربازان با جان خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی وفادار ماندند و همچنان در جهه‌های مقاومت امروز، این روحیه بی‌منت و فداکارانه ادامه دارد.

تاریخ ایران پر است از این نام‌ها، سربازانی که فداکاری‌های بسیاری بود که در تمام این سال‌ها، هر کدام از این سربازان با جان خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی وفادار ماندند و همچنان در جهه‌های مقاومت امروز، این روحیه بی‌منت و فداکارانه ادامه دارد.

تاریخ ایران پر است از این نام‌ها، سربازانی که فداکاری‌های بسیاری بود که در تمام این سال‌ها، هر

کدام از این سربازان با جان خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی وفادار ماندند و همچنان در جهه‌های مقاومت امروز، این روحیه بی‌منت و فداکارانه ادامه دارد.

تاریخ ایران پر است از این نام‌ها، سربازانی که فداکاری‌های بسیاری بود که در تمام این سال‌ها، هر کدام از این سربازان با جان خود به آرمان‌های الهی می‌جنگیدند.

از نظر او در چنین موقعیتی به رغم بعضی نظرات فرماندهی و نظامی حتی بالگر و نانک نیز کاربردی نداشت و باید از شیوهای تاکتیکی متفاوت و متنوع استفاده کرد.
شده چرا که در این صحنه‌ها به دلیل وجود موانع طبیعی به طور معمول پیروزی با دشمن است. شریف‌النسب خودش می‌گوید بار سنگین شهادت جوانان از یک طرف و رپوده شدن نانک از طرف دیگر چنان بر دوش من سنگینی می‌کرد که «هردن» برابم یک پیروزی بود.

با توجه به شهادت تعدادی از سربازان در حمله‌ای که به پایگاه صورت گرفته بود غیرت افراد تیب جویشده بود و از طرفی هم سلسله مراتب بالا فشار زیادی بر روی شریف‌النسب برای پاسخ به شرایط موجود آورد، اما با تدابیر و ابتکارات نظامی مختص به شرایط طبیعی و بومی در نهایت تانک باز پس گرفته شد که حالا حمل آن به حدی تحت عنوان تبعیدگاه شناخته می‌شد که در سطح لشکر چند بار معتادان را نیز به آنجا فرستادند؛ اما شریف‌النسب با ایجاد کمپ و گماردن یک مسئول برای این کمپ و با برنامه‌های تشویقی موفق شد تعداد زیادی از این معتادان را به طول خدمت و جامعه باز گرداند. موضوعات داخلی تیب که خود محیط خاصی هست همواره در کنار توجهی که به امور شهر نیاز بود از دغدغه‌های بزرگ شریف‌النسب بود که تقریبا هر روز با بحران‌های متفاوتی روبه رو می‌شد و اگر استفاده از ظرفیت‌های پنهان و نادیده‌انگاشته شده نبوده؛ امکان عبور از بحران‌ها وجود نداشت. شریف‌النسب حل این موضوعات را در ارزش‌گذاری بر انسان‌هایی که در قالب نیروی نظامی فرمانده انسان بود پیدا کرد و از تجارب، مهارت‌ها، شناخت و ویژگی هر کدام از افراد به گونه‌ای که رفع چالش بحران شود استفاده کرد و انس و الفتی به یاد ماندنی در بین فرمانده و کارکنان و سربازان به وجود آورد. گاهی می‌گفت ما خودمان دموکرات را با اشتباهات و نقاط ضعفمان بزرگ کردیم که این با آموزش، انضباط و استعرا قایل جبران است.

حالا یادگان هم به یک انسجام و شرایط مطلوب رسیده بود تـسا به آنجا که حتی کارکنانی هم که به عنوان تبعید به این یادگان آمده بودند دارای انگیزه‌های فراوانی شدند و شایسته درخواست ارشدیت در درجه که شریف‌النسب آن را نیز ایجاد داد.

**خدمات عمومی تیب ارتش به شهر**
ایجاد پارک و تفریحگاه، کمسک به آبدیانی باغ‌ها، لایروبی قنات و توزیع بسته‌های ارزاق و گفت‌وگو با مردم و حضور در مساجد، مردم را بیشتر به یادگان و شریف‌النسب نزدیک کرده بود تا آنجایی که شریف‌النسب وقتی پدر و مادر خودش را برای خرید به شهر می‌فرستد خبر از امنیت کامل شهر را از آنها می‌شنود که از مهمان نوازی صمیمانه مردم و تنوع اجناس و جنب و جوش بازار و اضاقل قایل تحسین اصناف در فروش اقلام به مردم تمجید می‌کنند. کارهای آموزشی تعاملی با سپاه نیز برقرار بود و نیروهای زنده برای آموزش و سخنرانی به مفرهای سپاه ارسال می‌شدند. گاه اختلاف نظرهای هم وجود داشت؛ اما شریف‌النسب با رویکرد ایجاد اتحاد و اتفاق وارد می‌شد تا بعضی از کارکنان با دیدگاه‌های شخصی ایجاد مشکل ننمایند.

**سرباز امام خمینی(ه)**
صبر و درایت شریف‌النسب در مقابل مردم، گر چه بعضا حتی ناسزا شنسیندن را هم در برد داشت، در این حدى بود که در یکی از عملیات‌ها که برای پاکسازی می‌رود دختری در قهوه‌خانه او را به باد ناسزا و فحاشی می‌گیرد اما او گذشت می‌کند و خود را سرباز امام و سرباز مردم معرفی می‌کند. همانند محمد بروجردی که خود او (شریف‌النسب) به زحمت بروجردی و رفاقت با او ادعان دارد.

گر چه گاهی بـه نظریاتش مثل عدم ایجاد پایگاه در «گردنه درمان» اهمیت نمی‌دادند؛ اما از باب مسئولیت‌پذیری روزها تلاش کرد تا در بحرانی‌ترین شرایط جوی خشکری آشوقه را به این پایگاه برساند که مبدا کارکنان انگیزه‌های دفاع از میهن را از دست بدهند مجموعه اقدامات شریف‌النسب گر چه هنوز در آن دوران که عنوان «جنگ ترکیبی» به کار گرفته نمی‌شده؛ اما چنان برجسته و متنوع و دارای ابعاد تدبیر و عقلایت و اقتدار بود که حتی حضرت امام(ره) نیز بر اساس گزارش‌های دریافتی او را می‌ستاید و اقدامات او را به عنوان الگو برای کنترل وضعیت‌های مشابه معرفی می‌کند.

**ارتش هر چه گمنام‌تر اجرش هم بیشتر**
بین بعضی از همکاران او در تیب سخنانی بود که جزا این اقدامات تحت عنوان «مجمع سازندگی فرهنگی» صورت می‌گیرد؛ اما تفکر و دیدگاه او این بود که از این مسائل بگذرید و هدف خدمت به مردم است و ارتش هرچه گمنام‌تر اجرش هم بیشتر که این موضوع



شهید محمد بروجردی



مرحوم سرهنگ شریف‌النسب

**یک شهر، یک مرد، یک جنگ**

# سرباز امام خمینی (ره)

**عزیزالله محمدی(امتدادجو)**



**شهید چمران در بین نیروهای ارتشی در کردستان**

را بعضی از فرماندهان سپاه مثل ابراهیم سنجعی نیز در بین گفته‌های خودشان ذکر کرده بودند. هنوز عددهای از جوانان بودن که فریب گروهک‌ها را خورده بودند؛ شریف‌النسب طی ابتکاری جوانانی را که در سن سربازی بودند به رغم بعضی مخالفت‌های سیاسی با تحمیل بعضی شرایط جبری به خدمت گرفت و آنها را با یکسازى و عدم وجود شغل ذکر کردند و گفتند ما ایرانی هستیم و وطن خود را دوست داریم و استنادار نیز قول همکاری داد.

بعد از آن ارزاق تشویقی مرتب تحت نبط نظارت «مجمع سازندگی فرهنگی» که در واقع ایده و ابتکار آن توسط شریف‌النسب بود به دست مردم رسید.